

بررسی مفاهیم نمادین درخت، سب و قندیل در محراب زرین فام آستان قدس رضوی با توجه به آیات قرآن کریم

حبيب الله آيت اللهی*، حسين عابد دوست**

چکیده:

محراب، یکی از اجزای معماری اسلامی و محل ارتباط انسان با خداست. محراب‌ها با آرایه‌هایی تزیین شده‌اند که از نظر مفهوم، هماهنگ با مکانی است که در آن ظهور یافته‌اند، از این جهت معنایی قدسی را تداعی می‌کنند. تحلیل حاضر در پی بررسی مفاهیم نمادین درخت، سب و قندیل در محراب زرین فام حرم حضرت امام رضا (علیه السلام) است. روش کار توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. بدین سبب ابتدا به معرفی این محراب می‌پردازد و سعی می‌کند مفاهیم نمادین نقش‌مایه‌های گیاهی، سب و قندیل را در باورهای مردم ایران و آیات قرآن کریم بررسی کند و چگونگی ظهور این نمادها را مطابق با اصول هنر اسلامی در تزیینات محراب زرین فام موجود در آستان قدس رضوی با نام «محراب پیش رو» بیان نماید. در این راستا به آیاتی از قرآن کریم اشاره دارد که کارکردهای قدسی این نمادها را در تفکر اسلامی نشان می‌دهد و چگونگی تشابه مفاهیم نمادهای درخت، آب و نور را در باور کهن ایران و آیات الهی بیان می‌دارد. در نهایت، مفاهیم تزیینات محراب را بر اساس آرای بزرگوارت بررسی می‌کند و از طریق مقایسه مفاهیم کهن این نمادها در هنر ایران و مقایسه آن با مفاهیم قدسی اسلامی، تشابه این مفاهیم و چرایی حضور آنها در این مکان مقدس را بیان می‌دارد. این مقاله نشان می‌دهد آرایه‌های گیاهی تزیینی در محراب زرین فام، نشانه‌هایی از درخت زندگی، نماد باروری و برکت و فراوانی است. سب نماد آب حیات و منشا زندگی است و قندیل نماد نور پروردگار است. وحدت این اجزا در کنار نقش‌مایه اسلیمی و آیات الهی در محراب زرین فام، نمادی از وحدت عناصر اصلی حیات در ستایش پروردگار است. محراب از آنجا که محل عبادت مؤمن است، مرکز جوشش ضرباهنگ‌های اصلی جهان طبیعت بوده، از این جهت قدسی است.

کلیدواژه: نماد، درخت، سب، قندیل، محراب، آستان قدس رضوی



* . دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه شاهد تهران

** . دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد تهران

hossienabeddoost@yahoo.com

مقدمه:

کاربرد محراب به عنوان یک مکان مقدس، جهت‌دهی انسان مؤمن به سوی قبله است. در واقع محراب انسان را به سمت یک مرکز ثقل که یک مکان مقدس است هدایت می‌کند. در مرکز این نقطه، کعبه، خانه خدا، قرار دارد که محل تمرکز همه نیروها و اندیشه‌های عرفانی و مهم‌ترین محل ارتباط انسان مسلمان با خداست؛ اما از طرفی محراب یک پناه و یک مکان امن برای انسان مؤمن است که رابطه‌اش را با جهان ملکوتی برقرار می‌کند. از این جهت هر محراب به عنوان مکان مقدس می‌تواند یک مرکز تلقی شود، پس نمادهایی که در این مرکز ظهور می‌یابند می‌توانند مرتبط با مفهوم نمادین این مکان مقدس باشند. محراب زرین‌فام حرم حضرت رضا (علیه السلام)، معروف به محراب پیش رو، یکی از بی‌نظیرترین نمونه‌های هنر اسلامی است که نمادهای درخت زندگی و آب حیات و نور مقدس را به زیبایی در ترکیبی وحدت‌آمیز به تصویر کشیده است. این عناصر در باور و فرهنگ ایرانیان، از کهن‌ترین ایام حضور داشته و از تقدس زیادی برخوردار است.

روش تحقیق:

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش یافت‌اندوزی کتابخانه‌ای و به روش متن‌خوانی و استفاده از فیش‌برداری است. روش تجزیه و تحلیل نیز کیفی است. در این مقاله به حضور نمادهای درخت، آب و نور و مفاهیم آنها در قرآن کریم و چگونگی ظهور آنها در محراب زرین‌فام آستان قدس رضوی اشاره می‌شود و در نهایت، مفهوم فلسفی-دینی این نمادها تحلیل می‌گردد.

پیشینه تحقیق:

در زمینه نمادشناسی آرایه‌های محراب‌های زرین‌فام آستان قدس رضوی تا کنون تحقیقی صورت نگرفته است. اطلاعات منتشر شده درباره این محراب‌ها، یا توصیف ظاهری آنها به شکل مختصر است که در هفته‌نامه اطلاع‌رسانی حرم آمده و یا تصاویری از این محراب‌هاست که در سایت سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی منتشر شده است. برخی از کتب به بررسی محراب‌های ایرانی پرداخته‌اند؛ اما دیدگاه اصلی مؤلف در این کتاب‌ها ساختار معماری گونه محراب‌های ایران و مواد و مصالح آنهاست؛ مانند کتاب *سیر تحول محراب در معماری اسلامی از آغاز تا حمله مغول*، نوشته علی سجادی، که در سال ۱۳۷۵ توسط انتشارات میراث فرهنگی به چاپ رسید. این اثر در سال ۱۳۷۴ به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد، توسط علی سجادی در دانشگاه تربیت مدرس ارائه شده است. پرفسور پوپ نیز در بخشی از کتاب *سیری در هنر ایران* به محراب‌های ایرانی و معرفی شیوه‌های تزیین آنها پرداخته و به تصاویری از محراب‌ها اشاره کرده است. به نظر می‌رسد

به مقوله نمادشناسی آرایه‌های تزیینی محراب‌های ایرانی و به شکل ویژه محراب‌های آستان قدس رضوی کمتر پرداخته شده است.

۱- مفاهیم نمادین درخت، آب و سبو

درخت به سبب ثمردهی و تأثیر بسزایی که در زندگی بشر از کهن‌ترین ایام داشته، همواره مورد احترام و تقدیس قرار می‌گرفته است. باور وجود درخت زندگی که همه موجودات اعم از انسان و حیوان و حتی دیگر گیاهان از آن حیات می‌گیرند، در اغلب کیش‌ها و تمدن‌های کهن وجود داشته است. باور وجود درخت کیهانی که در مرکز جهان قرار دارد و سرچشمه حیات است، نوع دیگری از این نگاه احترام‌آمیز به این خلقت خداوندی است. آب نیز به سبب اینکه از عناصر اصلی طبیعت و جزو جدایی‌ناپذیر حیات است، موجب شد این عنصر نیز مورد ستایش و احترام بشر قرار گیرد و همواره در کنار درخت مقدس آب‌های مقدس نیز تصور شود (دوبوکور، ۱۳۸۷: ۱۳). سبو در هنر کهن ایران نماد آب است و به همین جهت در آثار هنری کهن ایرانی، به عنوان مثال در آثار مکشوفه از عیلام و املش، سبویی که جریان‌های آب از آن سرازیر می‌شود و درختی در آن ریشه دارد، نماد درخت زندگی و آب حیات است (Mahboubian, 1977: 404).

مفهوم اسطوره‌ای درخت زندگی و درخت کیهانی که در مرکز جهان قرار دارد و منشأ آفرینش و سرچشمه حیاتند، در تمدن‌های کهن به صورت یک کهن‌الگو به چشم می‌خورد (کاظم پور، ۱۳۸۹، ۱۲-۲۲). در باورهای کهن ایرانی می‌توان حضور دو درخت زندگی و درخت کیهانی را در یک مرکز مقدس بیان کرد. این درخت با آب حیات و آتش مرتبط است. در بندهش بخش ۲ بند ۲۵ به آفرینش نخستین گیاه در مرکز زمین اشاره شده است که همه گیاهان به سبب آن آفریده شدند. این بند اشاره به نیروی زایش و قدرت‌های پنهان آفرینش در گیاه دارد (فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۵: ۴۵).

باورهای کهن ایرانی، روایتی از مرکز مقدس را مطرح می‌کند که در میانه جهان و سرچشمه و منبع آفرینش است. در این مرکز، نخستین گیاه (که تخمه همه گیاهان را در بردارد و آب و آتش در نزدیکی آن است) درخت بس تخمه (درختی که نیروی همه گیاهان در اوست) و درخت گوگرد یا هوم (دوردارنده مرگ و زندگی‌بخش) آفریده شد که همگی منشأ آفرینش هستند. همه این عناصر در دریای فراخکرد هستند و این نشان می‌دهد این مرکز مرتبط با آب‌هایی مقدس است که عناصر زندگی‌بخش در آن قرار دارد. از اینجاست که می‌توان اهمیت آب حیات‌بخش و درخت زندگی‌بخش را در مکان‌های مقدس ایرانی مطرح کرد. این الگوی نمادین در آیات قرآن که حکمت اصلی هنر اسلامی است به چشم می‌خورد و صورت نقش‌پردازی شده این ارتباط

خجسته زیتونی که نه شرقی و نه غربی است، افروخته می‌شود.

در قرآن کریم از درخت دیگری نام برده شده که مقام عرفانی بالایی دارد و از این جهت مقدس است و آن درخت سدره المنتهی است. این درخت درختی است که پیامبر در بهشت مشاهده کرد. در سوره نجم چنین آمده است:

«وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى. ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى. فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى. فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى. مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى. أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَى. وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى. عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى. عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْمُورَى. إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى. مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى. لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى» (نجم: ۷-۱۸)

در حالی که او در افقِ اعلی بود. سپس نزدیک آمد و بسیار نزدیک شد. تا به قدر دو کمان یا نزدیک‌تر شد. آن‌گاه به بنده‌اش آنچه را باید وحی کند، وحی کرد. دل آنچه را که دید دروغ نشمرد. آیا در آنچه می‌بینید با او جدال می‌کنید؟ و قطعاً بار دیگر هم او را دیده است، نزدیک سدره المنتهی، در همان‌جا که جنة المأوی است. وقتی که درخت سدر را آنچه پوشیده بود، پوشیده بود. دیده‌اش منحرف نگشت و درنگشت. به راستی که برخی از آیات بزرگ پروردگارش را بدید.

در سوره واقعه نیز به این درخت بهشتی اشاره شده است:

«وَاصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ. فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ. وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ. وَظِلِّ مَمْدُودٍ. وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ. وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَا مَقْطُوعَةَ وَلَا مَمْنُوعَةَ» (واقعه: ۲۷-۳۳)

و اما اصحاب سعادت. اصحاب سعادت چه حالی دارند؟ در زیر درخت سدر بی‌خار و درخت موزی که میوه‌ای بر یکدیگر چیده شده، و سایه‌ای دائم، و آبی همواره جاری، و میوه‌ای بسیار؛ که نه منقطع می‌گردد و نه کس را از آن بازدارند.

در این آیات از درخت سدره المنتهی یاد شده است که درختی بهشتی است. شهاب الدین سهروردی در رساله عقل سرخ از این درخت به عنوان درختی که سیمرخ تخم آن را پراکنده می‌کند نام برده که منشا همه میوه هاست. این نوع تجسم درخت مشابه نمونه کهن درخت زندگی و یا بس تخمه در فرهنگ ایران است:

«پس پیر را گفتم درخت طوبی چه چیزست و کجا باشد؟ گفت درخت طوبی عظیم است هرکسی که بهشتی بود چون به بهشت رود آن درخت را در بهشت ببند و در میان یازده کوه که شرح دادیم کوهی است او در آن کوه است. گفتم آن را هیچ میوه بود؟ گفت هر میوه‌ای که تو در جهان می‌بینی بر آن درخت باشد و این میوه‌ها که پیش تو است همه از ثمر اوست، اگر نه آن درخت بودی، هرگز پیش تو نه میوه بودی و نه درخت

در محراب‌های زرین‌فام آستان قدس رضوی به تصویر کشیده شده است؛ اما تا کنون تحلیل نمادین بر این نقش‌مایه‌ها با توجه به متون اسلامی انجام نشده است.

۲- مفهوم درخت زندگی و آب حیات و نور مقدس در قرآن کریم

با کمی تأمل در آیات قرآن کریم می‌توان اهمیت نمادین درخت، آب و نور را بیان کرد. در واقع در این متن مذهبی اعتقاداتی که ایرانیان به آن باور داشته‌اند، به زیبایی به تصویر کشیده شده است: درخت که زندگی می‌بخشد، آب نشانه حیات و نور نماد تجلی پروردگار. خداوند در قرآن این نمادهای جهانی را مطرح کرده و به آنها اهمیت داده است.

خداوند در سوره یس آیه ۸۰ ارتباط درخت و آتش را به روشنی بیان می‌دارد. در این آیه چنین آمده است: «الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ»

همو که برایتان در درخت سبز فام اخگر نهاد که از آن آتش افروزید. در این آیه تصریح شده که خداوند در درخت سبز آتش نهاد.

اشاره به ارتباط درخت و آتش در قرآن کریم در جای دیگری نیز آمده است. در سوره قصص آیه ۳۰ رابطه آتش و درخت بار دیگر مطرح شده است و صراحتاً بیان شده که از درخت ندایی بر آمد که ندای پروردگار است:

«قَلَمًا أَتَيْهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»
پس چون به آن [آتش] رسید، از جانب راست وادی، در آن جایگاه مبارک، از آن درخت ندا آمد که: ای موسی! منم من، خداوند، پروردگار جهانیان.

تیتوس بوركهارت معتقد است، این آیه «شهادت خداوند در روشنایی کوه طور به شکل بیشه مشتعل که ذات الهی بدان هیأت بر موسی تجلی کرد» را نشان می‌دهد (بوركهارت، ۱۳۸: ۱۴۵).

در سوره نور خداوند به روشنی خودش را در قالب تمثیل به نور چراغدانی تشبیه کرده است که بر درخت زیتون قرار دارد. در این آیه رابطه درخت و نور و آتش به زیبایی به تصویر کشیده شده است. نماد قندیل نیز جایگاه نور است و این نور تجلی خداوند است:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَىٰ نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَ يُضِرُّ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (نور: ۳۵)

خدا نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه است. آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت



تصویر ۱. قندیل در مرکز محراب زرین فام آستان قدس رضوی و سیو در بالا و پایین ستون‌های محراب



تصویر ۲. سیو در پایین ستون محراب زرین فام آستان قدس رضوی

دستور عزیزبن آدم و توسط خانواده محمد بن طاهر در کاشان ساخته شده است. این اثر ارزشمند منقوش به نقوش برجسته اسلیمی و ختایی و کتیبه‌های برجسته به خط ثلث و به رنگ لاجورد است که آیاتی از سوره‌های مائده، آل عمران، الاسراء، المؤمنون، بقره و فاتحه الكتاب بر روی آن کتیبه شده است. تزیینات محراب دارای برجستگی است که در آن گل‌های اسلیمی و ختایی و رنگ‌های طلایی و قهوه‌ای به کار رفته است (کنجینه نفایس رضوی، ۱۳۸۷: ۹۲). در بدنه محراب شش ستون به کار رفته که بالا یا پایین هر ستون سبویی قرار دارد و در مرکز محراب که قلب محراب است، قندیلی آویخته است. دور تا دور محراب، خطوط کوفی و ثلث، آیات الهی را به تصویر کشیده‌اند که همگی با آرایه‌های گیاهی تزیین شده‌اند. در تصویر قندیل آویخته در قلب محراب و هشت سبوی در بالا و پایین هر ستون دیده می‌شود. به نظر تیتوس بورکهارت قندیل یادآور مشکوة است که قرآن از آن بدین بیان یاد می‌کند:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ» (نور: ۳۵)

در واقع محراب به علت انعکاس کلام خداوند در نماز، رمز حضور پروردگار محسوب می‌شود و به همین جهت رمزپردازی قندیل یا مشکوة و مصباح، منحصر فرعی و یا به عبارتی دیگر عبادی است (بورکهارت، ۱۳۸۱: ۱۴۹).

پرویز اسکندری در مقدمه کتاب اسلیمی و نشانها می‌نویسد: "باید تأکید کرد که نور در جهان بینی هنرمندان ایرانی نقش کیمیایی داشته است. ایرانیان از هرچه تاریکی و تیرگی نفرتی طبیعی داشته‌اند. پیروزی نور بر تاریکی از خصایص اصلی دین ایرانیان بوده است که خود جلوه‌های حق و نور است، و نیز در سوره نور آیه ۲۵، نور جلوه حق است."

وی معتقد است: "نور اولین منزل بروز و ظهور است، یعنی پیش از آن که خلقی از آن احد و واحد مشاهده شود، نور پدید آمد و آنچه ما را به رویت آیات و نشانه‌های هستی راهنما شد، نور بود" (اسکندری، ۱۳۸۳).

مهرداد بهار ستون را نماد درخت می‌داند: پس در این محراب شش ستون نماد شش درخت هستند که ریشه بر سبوی -نماد آب- دارند و بر فراز آنها نیز سبویی است که آیات الهی به نشانه برکت بر آن نازل می‌شود (کاظم پور، ۱۳۸۹: ۹۳) (تصویر ۲۰۱)

نماد درخت در محراب با آرایه دیگری نیز حضور یافته است. این آرایه نقش مایه ختایی است که زمینه آیات الهی را تزیین کرده است. بار دیگر در این محراب

و نه ریاحین و نه نبات. گفتم میوه و درخت و ریاحین با او چه تعلق دارد؟ گفت سیمرغ آشیانه بر سر طوبی دارد. بامداد سیمرغ از آشیان خود به در آید و پر بر زمین بازگستراند، از اثر پر او میوه بر درخت پیدا شود و نبات بر زمین» (سهروردی، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۹).

اما درباره تقدس آب و منشأ حیات بودن آن در قرآن اشاراتی وجود دارد که آب را منشأ خلقت می‌داند. در آیه ۳۰ سوره انبیا آمده است:

«وَأَوَّلَ مَا بَرَأْنَا مِنَ الْوَالِدِ أَنْ يَتَكَلَّمَ نَبِيًّا سَمِعَ نَادٍ أَنْ جَاءَ فَرَجَا فَأَجَابَ لَهُ إِنَّ رَبِّي جَنَّاتُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمان‌ها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دور را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا ایمان نمی‌آورند (انبیا: ۳۰).

در برخی از آیات قرآن به رابطه آب و درخت اشاره شده است به صورتی که درختان بهشتی بر آب‌های جاری قرار گرفته‌اند. در سوره توبه آیه ۷۲ آمده است:

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

خداوند به مردان و زنان باایمان باغ‌هایی وعده داده است که از زیر درختان آن نهرها جاری است در آن جاودانه خواهند بود و [نیز] سراهایی پاکیزه در بهشت‌های جاودان [به آنان وعده داده است] و خشنودی خداوند بزرگ‌تر است، این است همان کامیابی بزرگ (توبه: ۷۲).

از آنچه تاکنون مطرح شد می‌توان گفت در قرآن کریم رابطه درخت حیات بخش، آب حیات و آتش و نور مقدس با یکدیگر مطرح شده و خداوند از این نمادها برای توصیف بهشت و نعمت‌های فراوان آن بهره برده است. درخت که مایه حیات است و بهشتیان همه نوع میوه‌ای از آن می‌خورند میوه‌هایی که هرگز تمام شدنی نیست (اشاره به حیات بخشی درخت)، در مرکز بهشت بر نهرهای جاری قرار دارد و نور خداوند بسان قندیلی از شاخه زیتون آویخته است و اخگر در قلب درخت قرار دارد و وحی به موسی (علیه السلام) از طریق درخت می‌رسد و آب منشأ همه موجودات است. این اشارات نشان می‌دهد این نمادها با مقوله نیایش و پرستش مرتبط هستند و در فرهنگ اسلامی از تقدس ویژه‌ای برخوردارند زیرا نیروهای دخیل در آفرینش پروردگارند.

۳- بررسی نمادهای درخت زندگی، آب حیات و قندیل

نماد نور مقدس در محراب زرین فام آستان قدس رضوی یکی از سه محراب کاشی زرین فام موجود در موزه‌های آستان قدس رضوی، با نام محراب پیش رو است که تاریخ آن به ۶۱۲ هجری برمی‌گردد و طبق کتیبه آن به

می‌شود. برگ‌های این درخت با سخنان کتاب مقدس تطبیق می‌کنند (همان ۱۵۱). آن چنان که مطرح شد بوركهارت هم معتقد است که آرایه گیاهی به شکل ختایی که پس زمینه آیات الهی در محراب را پر می‌کند، نمادی از درخت زندگی و درخت کیهانی جهانی کهن است که در میان ملل مختلف نماد حیات و رویش است.

در این مقاله بر اساس آنچه از آیات قرآن مطرح شد، بر این نکته تأکید شده که محراب به دلیل کارکردش که محل نیایش پروردگار است با نمادهای تزیینی همراه است که از نظر مفهوم نمادین با مفهوم ستایش و نیایش و تداوم حیات هماهنگ هستند. این نمادها، درخت زندگی با نشانه تصویری ختایی، آب حیات با نشانه تصویری سب و نور مقدس با نشانه تصویری قندیل است که در کنار خطوط بی‌انتهای اسلیمی و آیات الهی، مجموعه‌ای قدسی را برای ارتباط نمازگزار با پروردگار تشکیل می‌دهد. این مجموعه به شکلی وحدت‌آمیز در محراب زرین فام آستان قدس رضوی به زیبایی مشهود است.

بوركهارت معتقد است خطوطی که در محراب‌ها برای خوشنویسی آیات الهی به کار می‌رود از دو وجه عمودی و افقی برخوردارند. "جنبه اول به حروف وقار و حشمتی مذهبی می‌بخشد و جنبه دوم، موجب می‌شود که آن حروف در کشش یا جریانسی متصل، به هم پیوندند. خطوط عمودی با ذات باقی موجودات مطابقت دارد (و عمودیت هر حرف مؤید خصلت پایدار و ماندگار آن است) حال آنکه خطوط افقی، نظیر بود، بیانگر صیوروت یا مبین ماده دهنده اشیا به یکدیگر است" (بوركهارت، ۱۳۸۱: ۱۵۱).

به نظر وی "افریزهای کتیبه‌نویسی دور محراب، هم به جهت معنی و هم به لحاظ وزن و شکل مذهبی‌شان، برای مؤمن یادآور شیط با شکوه و قدرتمند کلام قرآنی است" (همان).

در محراب زرین فام آستان قدس رضوی، آیات الهی به خط ثلث نگاشته شده که وجه عمودی خطوط از نظر بصری غالب و حایز اهمیت است و آن چنان که بوركهارت معتقد است عمودیت این خطوط مؤید پایداری و ماندگاری کلام خداست.

در محراب زرین فام آستان قدس رضوی آنچه بسیار حایز اهمیت است، ترکیب وحدت‌آمیز و پیوسته و هماهنگ نقش‌مایه‌های نمادین در کنار یکدیگر است. نقش‌مایه‌هایی که هر یک ظاهری بی‌انتهای دارند. نقش‌های ختایی بی‌انتهای که به صورت ساقه‌های پیچان لابه‌لای خطوط مقدس می‌چرخند. نقش‌مایه اسلیمی پیچان در قوس بالای محراب، آیات الهی که به شکل پنج نوار کتیبه‌گون در اندازه‌های بزرگ تا کوچک به سمت مرکز محراب تکرار می‌شوند و این تکرار مقدس نمادی

آرایه ختایی که نماد گیاهی- درختی است و مفهوم برکت و رشد را در قلب خود دارد، همراه با کلام الهی ظاهر شده است (تصویر ۳).



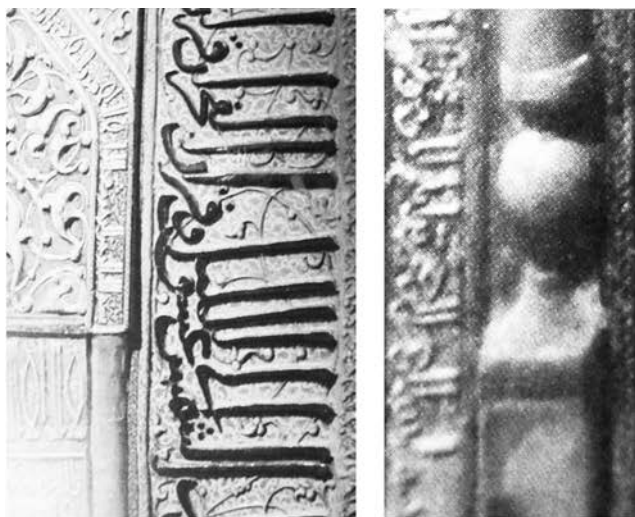
آرایه تزیینی دیگر، اسلیمی است که بارزترین ظهور آن در زیر قوس جناقی محراب است. تیتوس بوركهارت معتقد است، «اسلیمی در کنار تکرار با وزن و آهنگ بعضی کلام‌های قرآنی، تثبیت‌یافتگی ذهن بر موضوعی دلخواه را منحل می‌کند. در اسلیمی هرگونه استذکار صورتی فردی، به علت تداوم بافتی نامحدود منحل و مضمحل می‌شود. تکرار نقش‌مایه‌های واحد، حرکت شعله‌سان خطوط و برابری اشکال برجسته یا فرورفته از لحاظ تزیینی که به‌طور معکوس مشابه یکدیگرند، آن تأثیر را قوت و استحکام می‌بخشند. روان، آن چنان که امواج تابناک و فروزان و برگ‌های لرزان از وزش باد را می‌نگرد، از متعلقات درونیش، یعنی از اصنام شهوت و هوی می‌رهد و با اهتزاز در خود، درحالت ناب بود و وجود مستغرق می‌شود.» (بوركهارت، ۱۳۸۱: ۱۴۶).

پرویز اسکندرپور در مقدمه کتاب *اسلیمی و نشان‌ها* درباره آرایه‌های ختایی و اسلیمی پیچان می‌نویسد: "در هنر اسلامی، این نقوش درهم تنیده و پیچ‌درپیچ، تصویری است از آن عالم فلکی و نیز کوچک شده شکلی است از آن عالم بی‌انتهای هنرمند مسلمان آن عالم اکبر را در عالم اصغر صفحه خویش صورتی دیگر داد و به واسطه دوایری که نظام چرخشی فلکی را در قاعده خود دارد، به زمین کشید و این حرکت مداوم آسمانی را در صورت‌های زمینی و در وسیع‌ترین دایره‌های محاط بر زمین، یعنی مرکز حیات انسانی تا خود زمین رسم کرد" (اسکندر پور، ۱۳۸۳).

سپس خطوط اسلیمی و ختایی در عالم هنر اسلامی را نماد حرکتی از خداوند به سوی روح آدمی و عروج روح به خداوند می‌داند (همان).

از نظر بوركهارت در کتابت متون مقدس، حروف به آسانی با اسلیمی و خصوصاً با نقش‌مایه نباتی که بدین گونه رمزگری آسپایی درخت جهان می‌گردد، ترکیب

تصویر ۳ کتیبه قرآنی به خط ثلث، بر آرایه گیاهی ختایی نماد حیات، محراب زرین فام آستان قدس رضوی



یکی از سه محراب کاشی زرین‌فام آستان قدس رضوی
سبزو کتیبه به خط ثلث در محراب
زرین‌فام آستان قدس رضوی معروف به
محراب پیش رو

شیعی است و با مفهوم پنج‌تن مقدس هم‌هانگ است. شش ستون ایستا که با ده سبزو مرتبط هستند و نماد درخت زندگی و آب حیاطند که مرکز و نقطه ثقل آفرینش مادی هستند و یک قندیل که در قلب محراب محکم و استوار برای همیشه جاویدان گشته و نماد نور پروردگار در قلب مؤمن است. در اینجا فلسفه عرفان اسلامی که وحدت در کثرت است به زیبایی به تصویر کشیده شده است. کثرت آرایه‌ها نماد کثرت موجودات است و وحدت ترکیبی این عناصر نماد وحدت وجود حول محور حق است. این ترکیب نمادها در دو نمونه محراب دیگر آستان قدس رضوی نیز دیده می‌شود.

در این محراب ترکیب نمادهای جهانی و نمادهای اسلامی و نماد شیعی دیده می‌شود: درخت با نقش مایه ستون و آرایه ختایی، آب با نماد سبزو و نور با نقش مایه قندیل که نمادهای جهانی‌اند و آرایه اسلیمی و خطوط ثلث که نمادهای اسلامی هستند و تعداد تکرار کتیبه‌ها و دیگر نقش‌مایه‌ها که نماد شیعی هستند.

جدول تطبیقی درخت، سبزو و نور در فرهنگ ایران باستان، آیات الهی و محراب زرین فام آستان قدس رضوی:



سبزو و کتیبه به خط ثلث در
محراب زرین‌فام آستان قدس
رضوی معروف به محراب
پیش رو

نماد	متن قرآن کریم	محراب زرین فام رضوی
درخت زندگی	سوره نجم آیات ۷-۱۸ سوره واقعه آیات ۲۷-۳۳ اشاره به درخت سدره المنتهی در بهشت	شش ستون و نقش مایه ختایی نماد درخت زندگی
آب حیات	سوره توبه آیه ۷۲ سوره انبیا آیه ۳۰ اشاره به درخت بهشتی و نهرهای جاری و خلقت همه موجودات از آب (آب حیات بخش)	۱۰ سبزو نماد آب حیات
قندیل	سوره یس آیه ۸۰ سوره قصص آیه ۳۰ سوره نور آیه ۳۵ اشاره به رابطه درخت و آتش و آتش در قالب نماد قندیل نشانه نور پروردگار	یک قندیل در مرکز محراب

نتیجه‌گیری:

درخت زندگی و آب حیات نمادهایی هستند که با مفهوم منشا حیات و سرچشمه زندگی و برکت و باروری مرتبط است باورهای کهن ایرانی این دو عنصر مقدس را در مکان‌های مقدس به تصویر کشیده‌اند و درخت و آب‌های حیات‌بخش را مرکز جهان و منشا زندگی توصیف کرده‌اند. از طرفی رابطه آتش و نور با درخت در باور کهن ایرانی دیده می‌شود. آیات قرآن رابطه درخت و نور، درخت و آب حیات و آب به عنوان هسته آفرینش موجودات را تأیید می‌کند. این حکمت عرفانی در هنر دوره اسلامی و در محراب‌های دوره اسلامی که نمونه‌های زیبایی از آن در آستان قدس رضوی وجود دارد، جاری است. در محراب زرین‌فام آستان قدس رضوی رابطه شگفت‌انگیز این نمادها مطابق با فلسفه و حکمت الهی آن دیده می‌شود. درخت زندگی با آرایه‌های درختی و گیاهی ظاهر شده و به صورت نقش‌مایه ختایی زمینه آیات الهی را تزیین می‌کند. ستون‌های طرفین محراب نیز نماد درخت زندگی هستند. آب حیات با نماد سبوی یا جام در پایین و بالای ستون‌ها قرار دارند و در قلب محراب قندیل نماد نور پروردگار است. آرایه‌های اسلیمی با تکرار بی‌انتهای ابدیت را نشان می‌دهند و ترکیب آن در کنار کتیبه‌های قرآنی که پنج بار (نماد شیعی، علامت پنج تن مقدس) تکرار می‌شوند، نماد وحدت در کثرت موجودات است. این وحدت حول محور الله در قلب محراب با نماد قندیل نشان داده شده است. در واقع در محراب زرین‌فام آستان قدس رضوی، آرایه‌های تزیینی محراب از نظر کارکرد این مکان که رهایی از خود و پیوستن به ضرابهنگ‌های نیایش موجودات برای رسیدن به پروردگار است هماهنگ است. درخت نماد حیات و زندگی، آب منشا آفرینش موجودات با نماد سبوی و نور مقدس همگی در یک مکان مقدس جمع شده‌اند تا در ظاهری وحدت‌آمیز، انسان را از عالم خاکی به عالم افلاک بپیوندند.

منابع و مأخذ

- اسکندرپور خرمی، پرویز. (۱۳۸۳). *اسلیمی و نشان‌ها*. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۶). *از اسطوره تا تاریخ*. چاپ پنجم. تهران: نشر چشمه.
- بوركهارت، تیتوس. (۱۳۸۱). *هنر مقدس*. ترجمه جلال ستاری. چاپ سوم. تهران: سروش.
- دوبوکور، مونیک. (۱۳۸۷). *رهنمای زنده جان*. ترجمه جلال ستاری. چاپ سوم. تهران: نشر مرکز.
- سهروردی، شهاب‌الدین. (۱۳۸۴). *رساله عقل سرخ*. تهران: سبکپاران.
- فرنیخ دادگی، فرنیخ. (۱۳۸۵). *بندهش*. چاپ سوم. مهرداد بهار. تهران: نشر توس.
- قرآن کریم. ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند.
- قلی‌زاده، خسرو. (۱۳۸۸). *فرهنگ اساطیر ایرانی بر پایه متون پهلوی*. چاپ اول. تهران: نشر پژواک کیوان.
- کاظم‌پور، زیبا. (۱۳۸۹). *بررسی نماد درخت زندگی در هنر ایران و نمود آن بر فرش‌های ایرانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر. دانشگاه هنر اصفهان. استاد راهنما: بهار مختاریان.
- گنجینه نفایس رضوی، هفته‌نامه اطلاع رسانی حرم، ویژه نامه اطلاع رسانی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. ۱۳۸۷. چاپ دوم.
- منبع اینترنتی تصاویر سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
- Mahboubian, houshang, (1997), Art of Ancient Iran, Copper and Bronze, Philip, Wilson Publishers.
- <http://www.aqlibrary.org/index.php?module=pagesetter&unc=viewpub&tid=1&pid=509>